



رابطه ایمان با عمل و اختیار/ عمل ارزشمند از منظر قرآن

هر عملی با هر نیتی بر ایمان دلالت نمی کند، بلکه تنها عملی ارزشمند است که از سیر ایمان و بندگی خدا ناشی شود نه عملی که از سر نفع شخصی و یا عادت و ریا به انجام رسد.

هر عملی با هر نیتی بر ایمان دلالت نمی کند، بلکه تنها عملی ارزشمند است که از سیر ایمان و بندگی خدا ناشی شود نه عملی که از سر نفع شخصی و یا عادت و ریا به انجام رسد.

به گزارش خبرگزاری مهر، از دیدگاه دین مبین اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، هر چند از لحاظ مفهوم متمایز هستند. در برخی روایات درباره ایمان و عمل آمده که خداوند متعال یکی را بدون دیگری نمی پذیرد. همچنین از روایات بر می آید که عمل نمود ظاهری ایمان است و اگر عمل نباشد، آشکار می شود که ایمان در قلب ریشه ندوانیده است. از این رو است که در آیات فراوانی ایمان و عمل صالح با هم ذکر شده اند.

بنابر این ایمان بدون عمل، ایمان راستین و نجات بخش نیست. همچنین در برخی روایات، عمل از ارکان ایمان شمرده شده است. قرآن درباره کسانی که به هیچ روی به لوازم عملی ایمان خود پایبند نیستند. در آیه 15 سوره حجرات می فرماید بادیه نشینان گفتند ایمان آورده ایم، به آنها بگو ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید اسلام آورده ایم.

در واقع ایمانی که باعث سعادت آدمی می شود، ایمان توأم با عمل است. امام باقر(ع) از حضرت علی(ع) نقل می کند که مردی از ایشان پرسید آیا هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گواهی دهد مومن است؟ حضرت در پاسخ می فرمایند: پس واجبات الهی چه می شوند؟ نیز روایت شده که حضرت علی(ع) فرمود: اگر ایمان تنها به زبان آوردن شهادتین بود، روزه، نماز و هیچ حلال و حرامی تشریع نمی شد. از این بیانات به خوبی بر می آید که ایمان حقیقی است دارای مراتب مختلف که از کمترین آغاز می شود و تا کامل ترین پیش می رود.

یک بحث اساسی رابطه ایمان و عمل است. در این باره باید گفت هر عملی با هر نیتی بر ایمان دلالت نمی کند. تنها عملی ارزشمند است که از سیر ایمان و بندگی خدا ناشی شود نه عملی که از سر نفع شخصی و یا عادت و ریا به انجام رسد. قرآن مجید در آیه 18 سوره ابراهیم درباره عمل بدون ایمان می فرماید: داستان اعمال انسانی که به پروردگارش کفر ورزیدند داستان خاکستری است که در روز طوفانی باد سخت بوزد که هیچ از آن خاکسترها را نمی توانند کسب کنند.

بر اساس این آیه شریفه، عمل بدون ایمان نزد خداوند متعال، مانند خاکستری است که در روز طوفانی هیچ اثری از آن باقی نمی ماند. چنین اعمالی نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد. قرآن در آیه 39 سوره نور عمل کافران را مانند سراب می داند که واقعیتهایی ندارد.

یکی از مباحث دیگر بحث ایمان و اختیار است. باید گفت آدمی به روشنی می داند که در اعمال خود، آزادی و اختیار دارد. او نخست عمل را می سنجد و سپس به آن عمل دست می زند و بعد از عمل، از آن خشنود یا پشیمان می شود. این فرآیند، بر اختیار آدمی دلالت می کند. قرآن مجید نیز در آیات پرشماری آدمی را مختار و پاسخگوی اعمال خویش می داند اصولاً تقبیح و تحسین افعال و استحقاق عقاب و پاداش رفتار نشان از اختیار است.

ایمان به خدا نیز مشمول این قاعده کلی است. آدمی از سر اختیار به خدا ایمان می آورد یا کفر می ورزد. اگر ایمان بیاورد، شایسته ستایش و اگر کافر گردد، مستحق مذمت می شود. ایمان مانند علم نیست که گاه بدون اختیار، تصور و عملی در انسان پدید می آید، مثلاً برخی اوقات در فضایی قرار می گیرد که به ناگزیر صدایی را می شنود و یا می بیند. از آنجا که ایمان امری اختیاری است دارای ارزش است و اگر آدمی به اجبار ایمان می آورد، ایمان او ارزش نداشت. خداوند در آیات فراوانی، اختیاری بودن ایمان را به صراحت بیان می نماید. مثلاً می فرماید؛ بگو دین حق، همان است که از جانب پروردگار شما آمد. پس هر که می خواهد ایمان آورد و این حقیقت را پذیرا شود و هر کس می خواهد کافر گردد.

این آیه به خوبی نشان می دهد که ایمان و کفر دو امر اختیاری است. آدمی می تواند بر اثر تامل و تفکر به دین حق ایمان بیاورد و

سعادت دنيا و آخرت خویش را تامین کند و می تواند از سر اختیار کفر بوزد و دین خدا و راه هدایت را انکار کند و سرنوشت هلاکت باری برای خود رقم زند. همچنین خداوند در قرآن آیه 40 سوره اعراف به صراحت کفر را مذمت می کند و همین نشان می دهد که انکار ایمان، از سر اختیار است و گرنه مذمت افعال اختیاری معنا ندارد.